## استاندار: معابر کولبری کردستان همچنان باز خواهند ماند

استاندار کردستان از باز ماندن معابر کولبری در استان کردستان برای تأمین بخشی از معیشت مرزنشینان خبر داد. به گزارش ایسنا، «بهمن مرادنیا» اظهار کرد: بازگشایی مرز سیف سقز نیز که پیشتر وعده آن رسانه ای شده بود قطعی است، اما هم اکنون ایجاد زیرساخت های لازم و مناسب برای آن در دست اجرا است که با اتمام زیرساخت ها و ملزومات، این مرز نیز به طور رسمی بازگشایی خواهد شد.

### سرمقاله

**محمدسعید احدیان**
sardabir.com

## تاملی بر اتفاقات مشهد

تجمع معیشتی تعدادی از مردم مشهد که با بی تدبیری هایی، مورد سوءاستفاده مخالفان انقلاب قرار گرفت، از دو جهت قابل تحلیل است اول چرایی ماجرا، دوم درس هایی که باید گرفت.

**چرایی ماجرا**

در چرایی شکل گیری این اتفاق دو سطح از عوامل قابل احصا است سطح اول دلایلی است که صحنه ماجرا را توضیح می دهد و شامل فراخوان، شروع تجمع، پیوستن به حلقه اولیه، نحوه برخورد نیروی انتظامی، گسترش جمعیت و تغییر شکل صحنه (اعم از تغییر شعارها تا تغییر شکل اعتراض) و پایان تجمع و تصویرسازی در فضای مجازی می شود. ورود در این سطح از بحث اهمیت زیادی دارد اما به دلایل مجال اندک، نیاز به شنیدن نگاه های مختلف بحثی است که می توان آن را به فرصتی دیگر موکول کرد اما همین قدر می توان اشاره کرد که عده ای از مردم با نیت مطالبات معیشتی و با شعارهای گرانی تجمع را آغاز کردند و مورد حمایت دیگران قرار گرفتند اما در نهایت پس از اتفاقات کوچک و بزرگی که افتاد، با موج سواری عده ای پیکان اعتراض معیشتی به سمت مخالفت با نظام تغییر جهت داد.

اما سطح دوم عوامل که به بستر و زمینه ها برمی گردد، از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است.

**احساس ناامیدی، تبعیض و بی پناهی**

مجموعه ای از عواملی که در ادامه ذکر خواهد شد باعث شده است در بخشی از جامعه به ویژه در دو قشر طبقه محروم و طبقه متوسط ضعیف شده، احساسی ایجاد شود که می توان آن را با سه مولفه توضیح داد اول احساس ناامیدی از این که در ظاهر قرار نیست گشایشی در حل مسائل آن ها صورت بگیرد، دوم احساس تبعیضی که می گوید مشکلات موجود فقط مربوط به آن هاست و نه برای «از ما بهتران» و سوم احساس بی پناهی که می گوید ملجأ و پناهگاهی ندارند که حرف آن ها را «بفهمد و پیگیری» کند یا حداقل «بشنود و همدردی» کند. این همان بستری است که اگر در جهت حل آن حرکتی ملموس آغاز نشود یا اگر با درک نشدن آن فراگیر شود باید نگران آینده، تکرار اتفاقاتی مشابه و با توجه به وجود دشمنانی قسم خورده شاهد ناامنی شدید و تبدیل شدن به سوریه ای دیگر بود.

**عوامل بسترساز**

اما احساس فوق الذکر نتیجه عوامل متعددی است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱ . واقعیت این است که ناکارآمدی دولت ها، قوای قضاییه و مقننه، نهادها و دستگاه های مختلف در دو حوزه حل مسائل اقتصادی و معیشتی و برطرف کردن آسیب های اجتماعی برای زندگی جاری مردم چالش های اساسی زیاد و بعضا غیرقابل تحملی ایجاد کرده است این چالش البته مربوط به امروز و چند سال اخیر نیست وجود، مشکلات یک بحث است اما مسئله وقتی جدی می شود که امید برای حل مشکلات از بین برود. مشکلات از قبل هم موجود بود و اتفاقا بخش مهمی از مشکلات موجود ریشه در گذشته دارد ولی وعده های جذاب و دور از دسترس دولت یازدهم سطح امید مردم را بالا برد و با گذر زمان و محقق نشدن آن ها و در نهایت نیز اعلام برنامه های دولت در لایحه بودجه که نقطه مقابل آن وعده ها برای جامعه تصویر شد (گرچه بخشی از این تصویر واقعی نیست) به همراه گرانی های اخیر و ترس از گرانی های آینده، باعث شد این برداشت تقویت شود که امیدی به حل مشکلات معیشتی مردم نیست و در نتیجه احساس ناامیدی از تغییر شرایط در بخشی از جامعه تقویت شد.

۲ . البته مسئله دیگری هم هست و آن سیاه تر تصویر شدن واقعیت های موجود است. می توان به تفصیل در این باره استدلال کرد که درست است آن چه وجود دارد با آن چه باید باشد فاصله های زیادی دارد اما آن چه در ذهن جامعه تصویر شده است نیز بسیار سیاه تر از آن چیزی است که واقعا وجود دارد. نمی خواهم مثال امنیت و قدرت منطقه ای و شبیه آن را بزنم که مورد تایید اکثر مردم است و بارها گفته و شنیده شده بلکه اجازه دهید به عنوان فقط نمونه مثال هایی بزنم که در ذهن خیلی هم اکنون تصویر کاملا سیاهی از آن ها وجود دارد. به عنوان مثال اول از زلزله کرمانشاه نام می برم و این نکته را یادآوری می کنم که تا به حال چند کلیپ و گزارش از کاستی های زلزله زدگان دیده اید و چند کلیپ و گزارش از کانکس های نصب شده و امکانات توزیع شده در ذهن خود به یاد می آورید آیا به اندازه ای که اقدامات عملی و عینی انجام شده، تصویرسازی صورت گرفته است. به عنوان مثالی دیگر کل افرادی که حقوق های چند ده میلیون تومانی می گرفتند چند نفر بودند و جمع تعداد مسئولان رده بالا و میانی که حقوق هایی کمتر از یک استاد دانشگاه می گیرند با استراحت و آرامشی بسیار کمتر و با مسئولیت و مورد سوال بسیار بیشتر چند برابر آن ها هستند. آیا تصویری که بسیاری از ما از این مسئله داریم مطابق با واقعیت موجود هست؟ به عنوان مثالی دیگر درست است که دستگاه قضایی پر است از اشکالات ساختاری، عملکردی و رویکردی که هم به واسطه شغل ام از آن ها باخبرم و هم صابون آن به جامه ام خورده است اما چرا روند کلی حرکت دستگاه قضایی مورد توجه قرار نمی گیرد که مثلا عده زیادی قاضیان فاسد و کارچاق کن ها شناسایی شده اند و با آن ها برخورد شده یا دانه درشت ها از همه جریان ها در دوره جدید مورد محاکمه دستگاه قضایی قرار گرفته اند از پسر آیت ا... هاشمی گرفته تا معاونان آقای احمدی نژاد و مه آفرید خسروی و بابک زنجانی. روشن است که منظور توجیه کم کاری ها یا ناکارآمدی دولتی ها و قضایی ها و مجلسی ها و دیگر نهادهای حاکمیتی نیست بلکه منظور این است که تصویر ارائه شده به جامعه سیاه تر از واقعیت موجود است و این تصویر غیردقیق نتیجه چند عامل است:

اول سیاست زدگی جدی جریان های سیاسی که در تقابل های سیاسی خود پا روی حق گذاشته و انصاف را کنار می گذارند. چه در گذشته که اصلاح طلبان نقش اپوزیسیون به خود گرفته بودند و چه حال که اصول گرایان به ویژه طیفی از آنان هدف مقدس شان! شده است تخریب دولت.

دومین دلیل وجود تصویر سیاه تر از واقعیت، سیاه نمایی جریان های ضدانقلابی با استفاده از فضای مجازی و رسانه های ماهواره ای است به گونه ای که یک اتفاق طبیعی که همیشه بوده است چنان ضریبی می گیرد که تعمیم پیدا می کند مثلا تعرض یک فرد به یک کودک چنان بزرگ تصویر می شود که گویی این قبیل اتفاق ها تا کنون نبوده است و در دیگر کشورها اصلا وجود ندارد.

سومین دلیل نیز برمی گردد به دلسوزانی که درک دقیقی از ویژگی های یک نقد منصفانه یا مطالبه هوشمندانه ندارند و از سر اخلاص و انجام وظیفه تصویری سیاه تر از واقعیت به جامعه ارائه می کنند پیشنهاد می کنم یک ماه شبکه های تلویزیونی آمریکا مانند سی ان ان و فاکس نیوز و روزنامه هایی مثل نیویورک تایمز و واشنگتن پست را بررسی کنید و آن ها را با گزارش نماینده رسمی سازمان ملل مبنی بر واقعیت های اسف بار آمریکا از وجود ده ها میلیون فقیر و نابرابری های غیرقابل اجتماعی مقایسه کنید تا مشخص شود میزان و نوع انتقاد در رسانه های ایران چقدر در کشوری مثل آمریکا متفاوت است. برای جلوگیری از سوءبرداشت ها مجبورم یادآوری کنم که کارنامه روزنامه خراسان نشان می دهد که چقدر باور به انتقاد جدی و مطالبه مسائل مردم به دور از سیاست زدگی داریم اما فکر می کنیم هوشمندی و انصاف در نقادی بسیاری از دلسوزان کمتر دیده می شود.

و چهارمین عامل نیز سیاه نمایی فرصت طلبانی است که برای منافع شخصی و سیاسی دست روی نقاط ضعف می گذارند تا برای خود محبوبیت ایجاد کنند چه مسئولان حاضری که به جای ارائه برنامه و گزارش نقش منتقد را بازی می کنند و چه مسئولان سابقی که اپوزیسیون می شوند که مهم ترین مصداق اخیر این دسته انقلابی نما آقای احمدی نژاد است که به جای این که پاسخ دهد چند درصد در مشکلات موجود نقش داشته است، منفعت طلبانه و صرفا برای جمع کردن سرمایه اجتماعی و به دلیل این که دستگاه قضایی وارد خط قرمز او و بررسی فسادهای مالی برخی از اعضای کابینه اش شده است، با ترکیب راست و دروغ، سیاه نماتر از ضدانقلاب جامعه را به سمت ناامیدی سوق می دهد.

۳ . دو مشکل قبل یعنی ناکارآمدی های طولانی مدت به همراه وجود تصویری سیاه تر از واقعیت وقتی با سه مسئله اول بروز فسادهای مالی پی در پی، دوم رفتار اشرافی گری و دور از مردم برخی مسئولان و سوم رفتار متکبرانه عده ای شکم سیر و آن دسته از سلبریتی های بی درد روبه رو می شوند باعث ایجاد احساس تبعیض می شود و این احساس تبعیض است که شرایط را بسیار سخت و غیرقابل تحمل می کند.

۴ . برای کسی که امیدش به حل مشکلات کم رنگ شده است و احساس تبعیض روحش را می آزارد، هنوز راهی وجود دارد و آن زمانی است که ببیند پناهی وجود دارد که او می تواند حرفش را بزند تا «فهمیده و پیگیری» شود و حتی اگر پاسخ گویی واقعی صورت نگرفت حداقل دردش «شنیده» و با او «همدردی» شود در این صورت نیز همچنان شرایط قابل تحمل می شود. بخشی از مشکل موجود این است که اگر مردم پاسخ گویی مسئولان را نمی بینند بخشی از مردم پناهی برای شنیده شدن حرف های شان پیدا نمی کنند و احساس می کنند کسی نیست مطالبه آنان را پیگیری کند. البته فضای انتقادی رسانه های داخلی بخشی از این کارکرد را دارد به همین دلیل نیز مشکلات ذکر شده در بندهای قبل به مرحله انفجار نرسیده است اما واقعیت این است که پاسخ گونبودن مسئولان به رسانه ها، پیگیری و مطالبه ناکافی مسائل مردم توسط دیگر تریبون داران موثر ممکن است اندک اندک این کارکرد را کم اثر کند.

**چه باید کرد؟**

گرچه توصیف ماجرا تکلیف درس ها و چه باید کردها را روشن کرد اما شمارش آن ها می تواند مفید باشد:

۱ . مسئولان کشور در همه قوا، دستگاه ها و سازمان ها باید با تعیین اولویت بندی دقیق، بر حل مسائل اقتصادی به ویژه طبقات محروم و متوسط ضعیف شده تمرکز کنند. مردم صبور ایران توقع حل همه مشکلات شان را ندارند، کافی است حرکت به سمت برطرف شدن آن ها دیده شود که این امری کاملا دست یافتنی است ذکر یک مثال را که مشخص شود شعار داده نمی شود لازم می دانم: تنها جلوگیری از واردات بی رویه و قاچاقی که از گمرکات کشور صورت می گیرد با توجه به این که زیرساخت های فنی آن ایجاد شده است و فقط نیاز به تصمیم و اندکی پیگیری جدی توسط دست های پاک دارد، ظرف چندماه به نتیجه می رسد و در فرصتی کوتاه چرخ بسیاری از واحدهای تولیدی را به حرکت در می آورد و برای دستگاه های مختلف اعم از قضایی و حاکمیتی می توان از این قبیل مثال ها زد که عزمی جزم و نگاهی جهادی لازم دارد.

۲ . جریان های سیاسی و رسانه ها باید سیاست زدگی را در رفتار و عملکرد خود کنار بگذارند و با نگاهی ملی رفتار خود را شکل دهند همان طور که رهبر انقلاب گفتند نقد و نقدپذیری واجب است چون با نقد و نقدپذیری است که اصلاح صورت می گیرد و با نقد است که جلوی احساس بی پناهی برای مردم گرفته می شود اما نقد باید منصفانه و هوشمندانه باشد تا هم تبدیل به سیاه نمایی نشود و هم مورد سوءاستفاده لطمه زنندگان به منافع مردم قرار نگیرد.

۳ . مسئولانی که اکنون در مصدر قرار دارند نیز باید نقدپذیر باشند و نشانه نقدپذیری پاسخ گویی است. انبوه نقدهایی که اکنون در رسانه ها صورت می گیرد اگر جدی گرفته شود، به گونه ای که آن مسئله حل یا توضیح آن ارائه شود، آن گاه همه این انتقادها تبدیل به یک فرصت بی بدیل می شود اما اگر مردم شاهد باشند مسئول به جای پاسخ گویی، به سکوت و بی عملی روی می آورد یا حتی خود را در نقش منتقد قرار می دهد، کاسه صبرشان لبریز می شود.

۴ . نمی توان امید داشت فرصت طلبانی که مسئول بودند یا هستند، بر طبل سیاه نمایی نکوبند اما می توان انتظار داشت حامیان آن ها در صورت ادامه این مسیر آن ها را به طور علنی طرد کنند. چنین افرادی که برای کسب سرمایه اجتماعی انتخاباتی و غیرانتخاباتی و برای منافع فردی خود، مصلحت میلیون ها ایرانی را فدا می کنند، از دشمن بدترند و نباید هیچ جایی داشته باشند و هرجایی می روند باید مورد طعن علنی قرار گیرند.

۵ . پرچم نقد و مطالبه باید دست دلسوزان انقلاب و مردم قرار داشته باشد تا نه ضدانقلاب و نه انقلابی نما و نه مسئول فرصت طلب نتواند از مشکلات موجود برای اهداف خود بهره برداری کند. علاوه بر رسانه ها، منابر و تریبون های رسمی و منتسب به نظام و چهره های انقلابی عاقل باید دغدغه خود را مطالبات اصلی مردم قرار دهند و با رعایت انصاف و هوشمندی پرچم مطالبه دلسوزانه را به دست بگیرند و پناهی برای مردم شوند که صدای شان مثل برخی سلبریتی ها و بلندگودارها بلند نیست.

۶ . مبارزه جدی، موثر و سیستمی با فاسدان و ساختارهای فسادزا برخورد جدی و حذف مسئولانی که خوی اشرافی گری دارند و تقبیح علنی متکبران شکم سیر و بی دردی آن دسته از سلبریتی های از خود راضی، ضرورتی انکارناپذیر است البته باید مراقب بود این اقدام به گونه ای انجام نشود که بیشتر تصویری سیاه تر از واقعیت موجود ایجاد کند.

۷ . هرآن چه ذکر شد به فرض تحقق در نهایت نمی تواند از عملیات دشمن جلوگیری کند. این یک واقعیت است که مردم ایران بعد از حدود چهل سال استقامت بر سر آرمان های خود، هنجارهای ظالمانه حاکم بر دنیا را تغییر داده اند. امروز منافع کشورهایی که با استعمار دیگر کشورها آقای دنیا شده اند، به شدت از استقلال خواهی ملی و آرمان خواهی واقع بینانه و چالش عقلایی مردم ایران لطمه خورده اند. از ابتدای پیروزی انقلاب تلاش های زیادی از جنگ سخت و نرم گرفته تا تحریم و اختلاف افکنی داخلی صورت گرفته است که جلوی این حرکت الگوساز برای دیگر کشورهای دنیا گرفته شود اما تاکنون موفق نشده اند و لطمات جبران ناپذیری نیز از این مسیر خورده اند. امروز آخرین امیدشان این است که از فرصت های ذکر شده در بالا سوءاستفاده کنند و با استفاده از ظرفیت فضای مجازی که پیش از این وجود نداشت، شکست های پیشین خود را جبران کنند. مردم ایران تجربه کشوری مثل سوریه را دیده اند که نتیجه اختلاف داخلی چگونه فرصت به دشمنان این کشور داد که چندین سال امنیت از آن کشور رخت بربندد، ده ها هزار نفر کشته و میلیون ها نفر آواره شوند و همان زندگی جاری را که می توانستند از طریق سازوکارهای مدنی بهترش کنند هم از دست دادند.

مردم با ایمان ایران نباید فراموش کنند که نقش تاریخی بر عهده دارند هوشیاری و بازی نخوردن های رسانه ای و استقامت در راهی که شروع کرده اند مقدمه تحقق وعده الهی است که اگر در راه باور به این که تدبیرکننده همه امور آن ها خداست (الذین قالو ربنا ا...) استقامت ورزیدند (ثم استقاموا) الطاف و امدادهای پنهان و آشکار الهی نصیب آن ها می شود (تتنزل علیهم الملائکه) و هر مشکل و سختی و ترس و اندوهی از آنان برطرف می شود (ان لا تخافوا و لا تحزنوا) و برای هر مسلمانی این یقین وجود دارد که صادق ترین و قطعی ترین قولی که می توان به آن امید بست، وعده الهی است.

### یادداشت

**حجت الاسلام محمد حسین حسین زاده بحرینی**
Info@khorasannews.com

## «تجمع نه به گرانی»، «۹ دی» و «۹ نکته»

مردم مشهد روز پنج شنبه گذشته شاهد دو اتفاق همزمان بودند: در حالی که پیکر مدافع قهرمان حرم، شهید سید محمد حسین زاده به سمت حرم حضرت علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء بدرقه می شد، تجمعی اعتراض آمیز در میدان شهدا با دعوت و شعار اولیه «نه، به گرانی» شکل گرفته بود. این تجمع و پیامدهای میدانی، ملی و بین المللی آن حاوی پیام هایی برای مردم و سیاسیون کشور است:

اول- اقتصاد کشور، به رغم تلاش های دولت، به سامان نیست. این نابه سامانی، دو مؤلفه عمده دارد: «حرکت کند تولید» و «توزیع ناعادلانه درآمدها». در کنار این مؤلفه های اصلی، عواملی همچون قاچاق گسترده کالا، ناکارآمدی قوه قضاییه در ریشه کنی مفاسد اقتصادی و به تازگی، بی تدبیری در تنظیم لایحه بودجه کل کشور را هم باید به فهرست عوامل نابه سامان کننده اقتصاد کشور افزود.

دوم- حرکت کند تولید، اگرچه علت العلل نابه سامانی های اقتصاد کشور است، اما پدیده جدیدی در اقتصاد ایران نیست بنابراین نمی تواند به طور مستقیم «علت قریبه» و عامل اصلی نارضایتی مردم تلقی شود؛ ضمن این که به گواهی آمارهای رسمی، آهنگ رشد تولید در یکی دو سال اخیر، سرعت گرفته است. بنابراین، باید ریشه نارضایتی ها را در «توزیع ناعادلانه درآمدها» جست و جو کرد.

سوم- توزیع ناعادلانه درآمدها در اقتصاد امروز کشور، مصادیق فراوانی دارد: «تبعیض تورمی» یکی از مصادیق بارز توزیع ناعادلانه است؛ موضوعی که مسئولان از کنار آن به سادگی عبور می کنند، غافل از این که این نوع از تورم، موجب اعمال فشار بیشتر بر قشرهای ضعیف و ریشه اصلی ایجاد نارضایتی در بدنه جامعه است. منظور از «تبعیض تورمی» به اختصار این است که تورم برخلاف تصور عمومی، فقط منحصر به یک نرخ واحد در اقتصاد نیست. بلکه به تعداد گروه های درآمدی و هزینه ای در جامعه، نرخ تورم وجود دارد! معنی این سخن این است که وقتی مسئولان با افتخار از کاهش نرخ تورم سخن می گویند، کل جامعه را یک گروه واحد می بینند. اگر جامعه را به غلط، همگن ببینیم و از وجود طبقات مختلف درآمدی و هزینه ای، غفلت- یا تغافل- کنیم، آن وقت دچار این خطای راهبردی خواهیم شد که تصور می کنیم همه مردم، حتی طبقات ضعیف از فشار تورم آسوده شده اند! واقعیت این است که تغییر قیمت های نسبی معمولاً به زیان قشرهای کم درآمد است. مواد غذایی بخش بزرگی از سبد هزینه خانوارهای کم درآمد را تشکیل می دهد در حالی که این اقلام، در سبد هزینه ای خانوارهای مرفه و پردرآمد، سهم کوچکی دارد. در نتیجه، هرگونه افزایش در قیمت کالاهایی مثل نان، گوشت، تخم مرغ، میوه و مواد لبنی، توسط خانوارهای کم درآمد، به سرعت احساس می شود و به نارضایتی آن ها دامن می زند. مثال دیگر، افزایش اجاره بهاست که سهم بزرگی در سبد هزینه خانوارهای اجاره نشین دارد و به سرعت باعث نارضایتی آن ها می شود. به این تحلیل اقتصادی- اجتماعی، این واقعیت ناخوشایند را هم اضافه کنید که تعداد خانوارهای اجاره نشین که در سال ۱۳۸۵، ۲۹ درصد کل خانوارهای ایرانی بوده اند، در سال ۱۳۹۰ به ۳۳ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۳۶ درصد رسیده است. به نظر می رسد یکی از علل اصلی تشدید نارضایتی در طبقات ضعیف، به رغم کاهش کلی نرخ تورم، همین پدیده «تبعیض تورمی» است که متأسفانه در لابه لای «آمارهای کلی و تدقیق نشده»، از دید مسئولان پنهان مانده است.

مصداق دیگر توزیع ناعادلانه، «تبعیض درآمدی» یا ایجاد فاصله درآمدی بلاوجه میان قشرهای مختلف جامعه است. در این زمینه تنها به چند مثال بسنده می کنیم: افزایش حقوق کارمندان دولت با نرخ مساوی باعث می شود که فاصله درآمدی آنان سال به سال بیشتر و بیشتر شود. اگر حداقل حقوق، یک میلیون و سقف آن، ده میلیون تومان باشد، اختلاف کف و سقف، ۹ میلیون تومان است. اگر حقوق همه کارمندان به صورت مساوی، مثلاً ۱۰ درصد افزایش یابد، اختلاف کف و سقف دفعتاً ۹۰۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت زیرا حقوق ۱۰ میلیونی، یک میلیون تومان و حقوق یک میلیونی فقط صدهزار تومان افزایش می یابد. در هنگام بررسی بودجه سال ۱۳۹۴ پیشنهاد کردیم که در این رویه تجدید نظر شود. اگرچه این پیشنهاد در آن موقع با مخالفت دولت مواجه شد و تصویب نشد ولی بعد خود دولت، ایده مشابهی را مطرح کرد که چندان کارآمد نبود. این نحوه تعیین حقوق باعث می شود پاداش پایان خدمت کارمندان نیز به شکل کاملاً محسوسی ناعادلانه تعیین و پرداخت شود. فاصله دریافتی کارگران با کارمندان و بازنشستگان با شاغلان مثال های دیگری از «تبعیض درآمدی» است.

چهارم- در کنار این عوامل ایجاد نارضایتی، سوء مدیریت موردی مسئولان نیز مزید بر علت شده است. مدیریت اشتباه بانک مرکزی و قوه قضاییه در قضیه مؤسسات غیرمجاز نمونه بارزی در این زمینه است. با وجود تذکر مکرر دلسوزان، ارسال تقاضای نمایندگان به قوه قضاییه برای رسیدگی فوری، سوال جمع کثیری از نمایندگان از رئیس جمهور و ...، بانک مرکزی و قوه قضاییه همچنان بر طبل تصمیمات نادرست خود می کوبند و بر آتش نارضایتی سپرده گذاران -که بخش قابل توجهی از آنان مظلوم واقع شده اند- می دمند. متأسفانه سران محترم قوا نیز از اذن رهبری معظم انقلاب، برای حل و فصل عاقلانه و عادلانه این ماجرا به درستی استفاده نکردند و دست بانک مرکزی و قوه قضاییه را برای تداوم تصمیمات قبلی خود باز گذاشتند. تعلل در حل و فصل موضوع پدیده شاندیز، پردیسبان و ... مصادیق دیگری از سوء مدیریت مسئولان است.

پنجم- موضوع دیگر، پیشنهادهای دولت در لایحه بودجه است. دولت برای اولین بار به صراحت در پنجمین لایحه بودجه تقدیمی خود، تصویب دو موضوع را از مجلس درخواست کرده است: حذف یارانه حداقل ۳۰ میلیون نفر از یارانه بگیران و افزایش قیمت حامل های انرژی. اگرچه دولت در ازای این فشارها که بر مردم وارد خواهد شد، وعده کاهش بیکاری را داده، اما تاکنون جو غالب مجلس با پیشنهاد دولت همراه نشده است. در عین حال، نفس ارائه این دو پیشنهاد از سوی دولت، فضا را برای ایجاد نارضایتی عمومی فراهم کرده است.

ششم- تجمع پنج شنبه گذشته مشهد، اگرچه با دعوت و شعار اولیه «نه به گرانی» شکل گرفت، اما در عمل، فرصتی فراهم کرد برای اعلام نارضایتی تعدادی از سهام داران پدیده شاندیز و سپرده گذاران موسسات غیرمجاز. فارغ از این که تجمعی صورت بگیرد یا نه، عواملی همچون «سوء مدیریت»، «تبعیض تورمی»، «تبعیض درآمدی»، «حقوق های نجومی»، «شایعه افزایش حقوق نمایندگان»، «عزم دولت بر حذف یارانه نیمی از مردم»، «عزم دولت بر گران کردن بنزین، برق و ...»، بهانه های خوبی برای ایجاد احساس نارضایتی در مردم هستند. خطاست اگر فکر کنیم عموم مردم، حتی مردمی که همزمان با تجمع میدان شهدای مشهد، در حال بدرقه مدافع قهرمان حرم، شهید سید محمد حسین زاده به سمت مضجع شریف حضرت رضا(ع) بودند، این نابه سامانی ها را نمی بینند یا فشار آن را بر زندگی روزمره خود، سفره های کوچک و فرزندان بیکارشان درک نمی کنند.

هفتم- همه آن چه گفته شد، گفت وگوهای درون خانواده انقلاب است: مسئولان، مسئولانه عمل نکرده اند و بخشی از مردم، بیکاران، اجاره نشینان، حقوق بگیران و کسبه جزء، مال باختگان مؤسسات غیرمجاز و ... ناراضی اند. عده ای هم نارضایتی خود را در خیابان ابراز کرده اند. حال سوال اساسی این است که چرا آنان که خارج از دایره انقلاب و مترصد تضعیف آن هستند، بی بی سی و آمدنیوز و ...، جشن گرفته اند؟ آن چه در هفتم دی ماه در میدان شهدای مشهد رخ داد، باید مسئولان را متوجه این واقعیت کرده باشد که «قشرهای ضعیف ناراضی اند و مسئولان باید با کنار گذاشتن مسائل جناحی، به سرعت برای حل مشکلات مردم و جلب رضایت آنان، چاره اندیشی کنند»، و معترضان را هوشیار کرده باشد که «مراقب باشند دشمن، از اعتراض آن ها نردبانی برای رسیدن به اغراض شوم خود نسازد و بر دوش معترضان، بالا نرود».

هشتم- در این یکی، دو روزه از مسئولان شنیده شد که تجمع اعتراضی میدان شهدای مشهد، به دعوت «اشخاص ناشناس» صورت گرفته است. آیا آن «اشخاص ناشناس» می دانسته اند که دشمن بر موج کوچکی که آن ها ایجاد می کنند، سوار خواهد شد، که شد؟

نهم- همزمانی رخداد پنج شنبه گذشته مشهد با حماسه ۹ دی نیز قابل توجه است. نهم دی ماه از دو جهت سرمایه بزرگی برای ملت ماست: نخست این که جریانات منتهی به ۹ دی نشان داد دشمن از کوچک ترین فرصتی که از بی تدبیری مسئولان یا غفلت دوستان انقلاب به دست آورد، نهایت استفاده را خواهد کرد؛ و دوم این که مردم، هرگاه احساس کنند دشمن فرصت طلب، مجالی برای هجمه به انقلاب شان یافته است، با ورود مؤمنانه و به هنگام، در کنار انقلاب و نظام اسلامی خود، مردانه خواهند ایستاد. ملت ایران را در بزرگداشت خاطره ۹ دی امسال، منسجم تر از گذشته خواهیم دید. ان شاءا...

## حرف مردم

ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف‌های شماست.

☎ تلفن: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱ پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ تلگرام: ۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰ نمابر: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۲۹

- به نوشته صفحه دخل و خرج سال تولید بخاری های ژاپنی داخل ایران تقریبا ۱۳۷۴ است واقعا چرا تولید کنندگان ما اصلا به فکر نوآوری نیستند؟ حتی به فکر کپی برداری هم نیستند.
- مرحوم هاشمی رفسنجانی گفته بودند که منزل اجاره ای دارند، ولی فرزند ایشان آقای محمد هاشمی در خبرها گفتند که خانه مرحوم هاشمی رفسنجانی به موزه تبدیل می شود!
- لطفا یک گزارش درباره ردیف حداقل کارکرد در قبض های تلفن تهیه کنید. تلفنی که کارکردی ندارد چرا باید هزینه بپردازد؟
- با توجه به بازیکنان سرعتی و شوت زن اسپانیا و پرتغال، کی روش و دستیارانش باید وقت بیشتری برای تمرین دروازه بانان و مدافعان تیم ملی بگذارند. در غیر این صورت سردار باید برادر گمشده رونالدو باشد تا صعود کنیم.
- با حذف تیم قرمز از جام حذفی و برد استقلال در برابر همان تیم به نظر راه آبی ها برای فتح جام حذفی هموار است. مرد آلمانی که قولی نداده، ولی آنالیز خوب چشم آبی ها حکایت از فتح حداقل یک جام از سه گانه دارد.
- واقعا متاسفم برای روزنامه تون و دست اندرکاران استقلالیش! پرسپولیس یه بازی نتیجه نگرفته، اونم مساوی شدبعدیه تیتر بزرگ زدین فرار از بحران. ان شاءا... این فصل هم قهرمانیم. زنده باد ارتش سرخ!
- باد به داد آلودگی هوا رسید ولی ابرهای باران زا را با خود برد. پس مجدد دست به دعا برداریم که باد ابرها را برگرداند.
- مگر این بخاری های ژاپنی با این قیمت های نجومی چه فناوری خاصی داره که مانمی تونیم تو کشورمون تولید کنیم؟
- بنده چهارساله در دوران عقد به سر می برم و به خاطر این که اجاره خانه ها بالاست و مشکل بیکاری هست نمی توانم خانه بخت بروم. چرا مسئولان آن قدر به مردم سخت گیری می کنند آخه ما جوانان کشور چطوری بریم سرخانه و زندگی مون؟
- در خصوص «در امتداد تاریکی» خانم دکتر و آقایی که گفت کارگر خدماتی است باید بگم من یک خانم مهندس هستم ۱۳ ساله دارم کار می کنم. همسرم هم مهندسه اما پدر شوهرم کارگر میدون بار بوده. تو تمام دوران بچگی همسرم مجبور بوده یا بنایی کار کنه یا تونانوایی. روز اول ازدواج همسرم تمام مسائل رو توضیح داد. الان هم ۱۰ ساله با هم زندگی می کنیم. برای پدر شوهرم هم خیلی احترام قائلم. این مسائل همه به نحوه تربیت فرزند بستگی دارد. در ضمن از خدا هم نباید غافل شد.
- برای آن خانم دکتری که انسانیت را بلعیده و وجدان را فراموش کرده و قلب مادرش را شکسته باید فاتحه خوانده شود. خیر نمی بیند!
- به جای تبلیغ ظرف های آشپزخانه، خط تحریری با مداد و خودکار را آموزش دهید که بسیار ضروری است.
- قبلا قیمت نقدی و اقساطی (یک ساله) سراتو آپشنال سایپا ۱۰۴ میلیون بود. بازرسی کل کشور در افزایش قیمت خودرو ورود کرد، مدیرعامل سایپا هم گفت افزایش ۱۴ میلیونی سراتو لغو شد. دو روز قبل مراجعه کردم نمایندگی اعلام کردند نقدی ۱۰۴ میلیون، اقساطی ۱۱۸ میلیون یعنی دقیقا ۱۴ میلیون افزایش قیمت. متاسفانه فرایند دور زدن قانون و بازرسی و مردم فراگیر شده! قابل توجه مدیرعامل محترم و صادق سایپا!
- رشد ۶ درصدی اقتصاد کجاست که هر روز سفره های ما کوچک تر می شود و ر کود بازار بیشتر! کمر ما که شکست!
- من به جای آقای روحانی خجالت کشیدم، وقتی در روزنامه خواندم که رئیس جمهور دستور حل مشکل قیمت تخم مرغ را صادر کرد.
- جهانگیری نماینده اصلاحات آفرین زنده باشی! اجازه افزایش قیمت ها را به دولت نمی دهم، مردم نگران نباشند!
- وزیر محترم کشور به استانداران خود ابلاغ کند که هر استاندار به کارکنان استانداری و در مرحله بعد ادارات زیر مجموعه استان خود دستور فرماید کسی با خودروی شخصی به محل کار نرود و از خودروی عمومی یا دوچرخه استفاده کند. وقتی مردم مسئولان را با دوچرخه در معابر ببینند خیلی زود این رفتار به یک فرهنگ عمومی تبدیل و معضل آلودگی هوا خیلی زود حل می شود. ما که نباید از اروپاییان فقط فرهنگ های بد را بیاموزیم. امیدوارم این پیشنهاد مورد توجه مسئولان قرار بگیرد.
- چرا باید کسی که با پول خودش به دانشگاه غیر دولتی رفته، برای خرید سربازی پول بیشتری بپردازد؟ به نظر بنده باید فرقی میان افرادی که در دانشگاه های دولتی و رایگان تحصیل کرده اند و آن هایی که با شهریه های نجومی تحصیل کردند قائل شد.
- داروی ۱۶۰۰ تومانی را ۴۰۰۰ تومان دادند گفتم چرا؟ گفتند گران شده. آخر چند درصد؟
- این فرانشیز دارو چیه؟ دارو می خری ۷۰ هزار تومان می شه، بیمه طلایی فرهنگیان فقط ۱۶۰۰ تومان فرانشیز دارو را پرداخت می کند.
- چرا روزنامه محترم خراسان هر آمار اعلام شده از سوی مسئولان را چاپ می کند؟ لطفا قبل از چاپ خبر حداقل خودتان کارشناسی کنید.
- می خواستم به اون دوست عزیزی که گفته بود چرا کارخانه ها به کارکنان خود هدیه ازدواج نمی دن عرض کنم اگه اونا حقوقمونو بعد از چند ماه بدن ما باید کلاهمونو بندازیم هوا، هدیه ازدواج پیشکش!
- بنده با برخورد ساعت فروش کاملا موافقم! تا کی باید به بی قانونی عادت کنیم؟ اگر کارگر و مدیر درست به وظایف خود عمل نکنند دقیقا وضعیت فعلی جامعه پیش می آید.

## بازتاب

این ستون هر روز خبرها و مطالب پربازنشر و پربازدید فضای مجازی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهد

روزنامه خراسان @Khorasan_farsi ۰۹۳۳۳۸۱۶۷۴۹ @Khorasannewspaper

### از استقبال گاوی تا انتقاد شجاعانه مجری تلویزیون

**انتقاد شجاعانه مجری زن شبکه تهران**

روز گذشته فیلمی از انتقاد شجاعانه مجری زن شبکه تهران در شبکه های اجتماعی به ویژه اینستاگرام پخش شد که در آن مجری با تعجب از برخورد ماموران شهرداری با دست فروشان انتقاد می کرد و معتقد بود باید در آزمون های ورودی این افراد برای استخدام مسئله اختلالات روانی هم لحاظ شود. این مجری اظهار کرد که مردم تا می‌توانند حتی اگر شده کمکی کوچک به این دست فروشان کنند. کاربری در ذیل این پست کامنتی این چنینی نوشته بود: «کاش لااقل این خانوم یهو ممنوع التصویر و خانه‌نشین نشود.»

**مضحکه فوتبالی در آتش نفت!**

اتفاقات این هفته‌ها در باشگاه نفت تهران آن قدر عجیب و غیرقابل باور است که دیگر به یک مضحکه فوتبالی بدل شده است. در تازه‌ترین اتفاق بعد از آن که گل‌محمدی، رئیس اداره کل ورزش و جوانان استان تهران از خلع مالکیت باشگاه از جهانیان، مالک این باشگاه به دلیل عمل نکردن به تعهداتش خبر داد، در عکس‌العملی نادر و البته طنز جهانیان اعلام کرد که «گل‌محمدی» از این پس سرمربی تیم است! روز گذشته هم در بازی نفت تهران و فولاد خوزستان تیم بدون سرمربی و با سرپرستی هاشم بیگ‌زاده مدافع تیمشان به میدان رفت! کاربری در واکنش به این اتفاقات در توئیتر نوشته بود: «خوب است فوتبال ما جهانیان‌های زیادی دارد تا به آن‌ها بخندیم و به حال فوتبال‌مان گریه کنیم.»

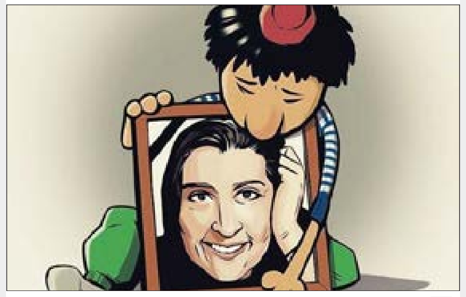

**یک سال از رفتن «دنیا» گذشت**

دیروز سالگرد خداحافظی مادر کلاه قرمزی با دنیا بود. «دنیا فنی‌زاده» عروسک گردان همیشگی کلاه قرمزی درست یک سال پیش از دنیا رفت و روز گذشته سالگرد فوت این هنرمند کشورمان به سوژه داغ شبکه‌های اجتماعی بدل شده بود. هنرمندان زیادی برای سالگرد دنیا فنی‌زاده در فضای مجازی پُست گذاشته بودند اما بی‌تردید خواندنی‌ترین آن‌ها پُست حمید جبلی (صداپیشه کلاه قرمزی) بود که در اینستاگرامش با انتشار تصویری نوشته بود: «دنیا جان؛ یک سال از نبودنت گذشت اما هنوز این جایی، در قلب‌مان...»

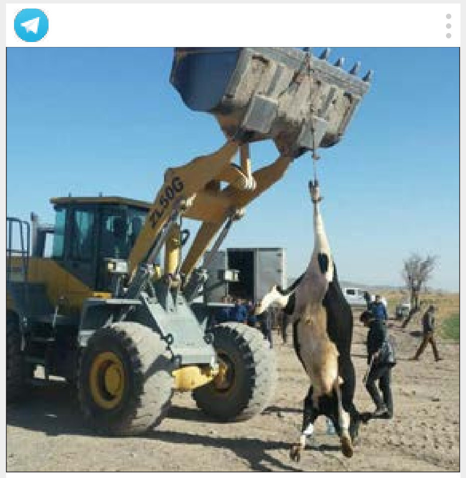

**گاوکشون برای استقبال از معاون وزیر**

تصویر گاو بیچاره‌ای که از یک پا آویزان است امروز در تلگرام دست به دست می‌چرخید. توضیح ذیل این تصویر مبنی بر آن که این گاو را با روش غیرانسانی پیش پای معاون وزیر نفت در تربت حیدریه کشته‌اند، آن قدر تلخ بود که باید ساعت‌ها به آن فکر کرد. البته خیلی زود مسئولان این تصویر را تکذیب و اعلام کردند که این تصویر مربوط به این برنامه نبوده است.